



doi 10.22059/JIS.2022.347264.1144

Research Paper

## The Impact of Foreign Relations on the Cultural Developments of Kermanshah in the Qajar Period (1285-1210.SH)

Shirzad Ehsan Khah<sup>1</sup>| Monireh Kazemi Rashad| Hassan Zandiyehh<sup>2,3</sup>| Manijeh Sadri<sup>4</sup>

1. PhD student in history, Islamic Azad University, Shabestar Branch, Shabestar, Iran.

Email: [ahsankhwahshyryzad@gmail.com](mailto:ahsankhwahshyryzad@gmail.com)

2. Assistant Professor of History Department, Islamic Azad University, Shabestar Branch, Shabestar, Iran. Email: [kazemirashed@yahoo.com](mailto:kazemirashed@yahoo.com)

3. Corresponding Author; Assistant Professor of History Department, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: [zandiyehh@ut.ac.ir](mailto:zandiyehh@ut.ac.ir)

4. Assistant Professor of History Department, Islamic Azad University, Shabestar Branch, Shabestar, Iran. Email: [manijehsadri@gmail.com](mailto:manijehsadri@gmail.com)

### Article Info.

### Abstract

#### Received:

2022/05/15

#### Accepted:

2022/11/15

#### Keywords:

*Qajar, Foreign Relations, Kermanshah, Cultural Developments, Ottoman.*

During the Qajar period, due to the emergence and expansion of capitalism and the globalization of the economy, the country's border gates were opened to other countries. In the meantime, Kermanshah, as one of the most important border routes in the country, had a significant share. And in confrontation and interaction with the Ottoman government and through it, in contact with other European countries. The arrival of representatives of foreign countries (merchants, Orientalists, religious missionaries, etc.), the establishment of offices such as the Telegraph, the bank, the consulate, etc. The import of Western goods (British fabrics, Turkish tobacco, Danish beers, etc.) led to Manifestations of Western culture are prevalent in this state. The new urban structure and architecture, the grounds for further expansion of Shiism, the introduction of antiquities at the world level, etc. were other cultural consequences of these relations. This research has been done based on travelogues, memoirs, documents, and other sources in an analytical-descriptive and library method. The purpose of this study is to investigate the cultural developments in Kermanshah province in relation to foreign relations in one of the most important periods of Iranian history. Findings show that Iran's foreign relations with European and Ottoman countries, caused other cultural developments such as health promotion, the establishment of schools with new educational content, the formation of the Kermanshah dialect and...

**How To Cite:** Zandiyehh, Hassan; Ehsan Khah, Shirzad; Kazemi Rashad, Monire; Sadri, Manijeh (2023). The Impact of Foreign Relations on the Cultural Developments of Kermanshah in the Qajar Period (1285-1210.SH). *Journal of Iranian Studies*, 13 (3), 21-39.

**Publisher:** The University of Tehran Press.





## تأثیر روابط خارجی بر تحولات فرهنگی ایالت کرمانشاهان در دوره قاجار (۱۲۴۶-۱۳۲۴ قمری)

شیرزاد احسان خواه<sup>۱</sup> | منیره کاظمی راشد<sup>۲</sup> | حسن زندیه<sup>۳</sup> | منیژه صدری<sup>۴</sup>

۱. دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه آزاد واحد شبستر، آذربایجان شرقی، ایران. رایانامه: [ahsankhwahshyryzad@gmail.com](mailto:ahsankhwahshyryzad@gmail.com)

۲. استادیار گروه تاریخ دانشگاه آزاد واحد شبستر، آذربایجان شرقی، ایران. رایانامه: [kazemirashed@yahoo.com](mailto:kazemirashed@yahoo.com)

۳. نویسنده مسئول؛ استادیار گروه تاریخ دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: [zandiyehh@ut.ac.ir](mailto:zandiyehh@ut.ac.ir)

۴. استادیار گروه تاریخ دانشگاه آزاد واحد شبستر، آذربایجان شرقی، ایران. رایانامه: [manijehsadri@gmail.com](mailto:manijehsadri@gmail.com)

### چکیده

### اطلاعات مقاله

در دوره قاجار به علت ظهور و گسترش سرمایه‌داری و جهانی شدن اقتصاد، دروازه‌های مرزی به روی سایر کشورها گشوده شد. در این میان، ایالت کرمانشاهان که یکی از مهم‌ترین مسیرهای مرزی کشور بود، سهم بسزایی داشت و در تقابل و تعامل با دولت عثمانی و از آن طریق، در پیوند با کشورهای اروپایی مانند انگلستان و فرانسه قرار گرفت. ورود نمایندگان کشورهای خارجی (همچون تاجران و مستشرقان و مسیونرهای مذهبی) و تأسیس ادارات (همچون تلگراف و بانک و کنسولگری) و واردات کالاهای غربی (همچون پارچه‌های انگلیسی و دخانیات ترکیه‌ای و آبجوهای دانمارکی) سبب شد مظاهر فرهنگ غربی در این ایالت رواج یابد. ساختار جدید شهری و معماری، زمینه‌های گسترش بیشتر تشیع، معرفی آثار باستانی در سطح جهانی و... از دیگر پیامدهای فرهنگی این روابط بود. پژوهش حاضر به استناد سفرنامه‌ها و خاطرات و سایر منابع به روش تحلیلی - توصیفی و کتابخانه‌ای انجام شده است. هدف از این پژوهش بررسی تحولات فرهنگی ایالت کرمانشاهان در پیوند با روابط خارجی در یکی از مهم‌ترین دوره‌های تاریخ ایران است. یافته‌ها نشان می‌دهد مناسبات خارجی ایران با کشورهای اروپایی و عثمانی، سبب بروز تحولات فرهنگی دیگری مثل ارتقای بهداشت و تأسیس مدارس با محتوای آموزشی جدید و شکل‌گیری گویش کرمانشاهی شد.

### تاریخ دریافت:

۱۴۰۱/۰۲/۲۵

### تاریخ پذیرش:

۱۴۰۱/۰۸/۲۴

### واژه‌های کلیدی:

قاجاریه، روابط خارجی، کرمانشاهان، تحولات فرهنگی، عثمانی.

**استناد به این مقاله:** زندیه، حسن؛ احسان‌خواه، شیرزاد؛ کاظمی راشد، منیره؛ صدری، منیژه (۱۴۰۲). تأثیر روابط خارجی بر تحولات فرهنگی ایالت کرمانشاهان در دوره قاجار (۱۲۴۶-۱۳۲۴ قمری). *فصلنامه پژوهش‌های ایران‌شناسی*، ۱۳ (۳)، ۲۱-۳۹.



## مقدمه

نقش فرهنگ در رشد و ارتقای زندگی فردی و اجتماعی در جوامع بر کسی پوشیده نیست. تحولات عمده فرهنگی در پرتو برقراری روابط خارجی در ایالت کرمانشاهان عصر قاجار سبب شد تا این موضوع مورد پژوهش قرار گیرد. در پی گسترش روابط خارجی، تحولات عمده فرهنگی در این ایالت شکل گرفت که نمود بارز آن را می‌توان در معماری و سیمای شهر کرمانشاه در آن دوران مشاهده کرد. علاوه بر این، با توجه به ورود نمایندگان کشورهای خارجی (تاجران، مستشرقان، مسیونرهای مذهبی، پزشکان و...) و تأسیس ادارات (تلگراف، بانک، کنسولگری و...) و واردات کالاهای غربی (پارچه‌های انگلیسی یا هندی، قد فرانسوی، دخانیات ترکیه‌ای، آبجوهای دانمارکی و...) که از انگلیس راهی شهر کرمانشاه، مرکز این ایالت، می‌شد سبب رواج مظاهر فرهنگ غربی در این ایالت شد. در دوران حکومت قاجار، شهرهای مذهبی نجف و کربلا (عتبات عالیات) مراکز علمی و آموزشی جهان تشیع بودند. این مسئله برای تحکیم رهبری مذهبی در میان جوامع شیعی ضروری بود (میر لیتواک، ۱۳۸۴: ۱۳۸). با توجه به موقعیت جغرافیایی ایالت کرمانشاهان و عبور زوار از آن، زمینه‌های گسترش مذهب تشیع فراهم شد (مهاجرت روحانیان شیعه، برپایی مراسم مذهبی، ساخت مساجد و تکایا، گسترش اوقاف و...). حضور مستشرقان و سیاحان و نمایندگان سیاسی سبب شد تا آثار باستانی این ایالت در سطح جهانی معرفی شوند. سرهنری راولینسون<sup>۱</sup> توانست رمز خواندن سنگ‌نوشته‌های کوه بیستون را که در نزدیکی شهر کرمانشاه واقع شده‌است، کشف کند و پس از سال‌ها زحمت و نسخه‌برداری از خطوط میخی درهای معرفت خواندن خطوط باستانی را به روی جهانیان بگشاید (س - ج - و بنجامین، ۱۳۶۳: ۶۱). شکل‌گیری گویش کرمانشاهی نیز از دیگر پیامدهای فرهنگی این روابط بود. هدف از پژوهش حاضر، بررسی پیامدهای فرهنگی به‌وجودآمده در ایالت کرمانشاهان با توجه به گسترش روابط خارجی در محدوده زمانی ۱۲۴۶-۱۳۲۴ قمری است. پژوهش‌های متعددی درخصوص تاریخ کرمانشاهان در عهد قاجار نوشته شده که به صورت محدود و موردی به تحولات فرهنگی متأثر از روابط خارجی پرداخته‌اند؛ از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: «تاریخچه نخستین مدارس نوین کرمانشاه (۱۳۱۶-۱۳۲۴ قمری)» نوشته محمدعلی علوی‌کیا و «خانه بغدادی در کرمانشاه، نمودی از تعاملات فرهنگی - بازرگانی دو ملت ایران و عراق در عصر قاجار» نوشته عیسی حجت و عرفان حیدری. مقاله دیگری که به شکل موردی به برخی از تحولات فرهنگی این زمان اشاره دارد «تأملی بر تأثیرات تطور فرهنگ و جامعه ایران در میانه عصر قاجار بر دیوارنگاری (به گواه دیوارنگاری‌های عمارت صارم‌الدوله کرمانشاه)» نوشته حمیدرضا انصاری و عرفان حیدری است.

کتاب *کرمانشاهان و تمدن دیرینه آن* تألیف ایرج افشار سیستانی هم به بررسی تاریخ کرمانشاه از عهد باستان تا تاریخ معاصر پرداخته و درخصوص فرهنگ این ایالت می‌توان اطلاعات خوبی از آن به دست آورد؛ اما در هیچ‌کدام از این آثار و سایر منابع، به شکل تحلیلی و منسجم، پژوهشی درباره تأثیر روابط خارجی ایران بر تحولات فرهنگی این ایالت صورت نگرفته‌است.

### تحولات معماری و ساختار شهری

حدود جغرافیایی ایالت کرمانشاهان در محدوده زمانی ۱۲۴۶-۱۳۲۴ قمری ثابت و مشخص نبود در زمان والیگری محمدعلی میرزای دولتشاه این ایالت علاوه بر کرمانشاهان کردستان، ایلام، لرستان و خوزستان امروزی را نیز شامل می‌شد. وی شهر کرمانشاه را حاکم‌نشین این ایالت برگزید؛ زیرا از نظر موقعیت جغرافیایی و راهبردی بسیار مهم داشت. (این شهر تقریباً در حدود ۲۵۰ تا ۳۰۰ مایل با شهرهای بزرگ و مهمی مانند تهران و تبریز و اصفهان و بغداد فاصله دارد و بر سر راهی قرار گرفته که به هر یک از این نقاط منتهی می‌شود و به این دلیل اهمیت سرشاری دارد.) (کرزن، ۱۳۶۹: ۶۸). یکی از مسیرهای ارتباط زمینی به منظور دسترسی به هندوستان برای کشورهای اروپایی در آن دوران از این ایالت می‌گذشت. این مسئله سبب شد تا شهر کرمانشاهان بزرگ‌ترین و پرجمعیت‌ترین شهر کردنشین شود؛ چنان‌که آمار جمعیتی این شهر را حدود شصت‌هزار نفر ذکر کرده‌اند (گروه، ۱۳۶۹: ۸۲). رشد و گسترش شهرنشینی، یکی از ویژگی‌های مهم دوران حکومت پادشاهی فتحعلیشاه است. وی پسران خود را والی ایالات می‌کرد و رقابت میان آنان سبب شد تا برای آبادانی مرکز ایالت خود تلاش کنند (هامبلی، گاوین، و دیگران، ۱۳۸۹: ۳۷۶). اقدامات محمدعلی میرزای دولتشاه به منظور آبادانی و پیشرفت کرمانشاه به دلیل رقابتش با عباس میرزا بود تا این شهر را در برابر تبریز ولیعهدنشین رونق و گسترش دهد (j.ferrir.1976: p.240). به همین منظور، وی چند مستشار انگلیسی را برای راهنمایی و مشاوره در امور شهری استخدام کرد تا او را در عمران و آبادانی شهر کرمانشاه یاری کنند (کریمیان و قبادی‌زاده، ۱۳۹۶: ۵۱). او دیوان‌خانه‌ای احداث کرد که شامل دوازده قصر می‌شد. از دیگر اقدامات او ایجاد بازارها و عمارت‌ها و مساجد و... بود (کرزن، ۱۳۶۹: ۷۰۸). گسترش روابط بازرگانی باعث شد تا ساخت بازار اصلی کرمانشاه (۱۸۰۶/۱۲۲۱) را شروع کنند که با ایجاد چندین سرا، چهارسوق رونق بیشتری یافت و به دلیل واقع شدن بر سر راه کربلا، رشد آن در جهت طولی گسترش یافت (ایراندوست و بهمنی اورامانی، ۱۳۹۰: ۸۵). به دلیل قرار گرفتن بازار در مرکز شهر، دیگر مراکز مهم شهری نیز در مجاورت آن تأسیس شد و کرمانشاه بیش از پیش در مسیر ترقی و توسعه قرار گرفت (کشاورز، ۱۳۸۲: ۵۵) و به توسعه بازار و ساخت سربازخانه و کاروان‌سرا و... منجر شد تا این شهر در زمره شهرهای مهم و آباد ایران قرار گیرد

(جلیلی و دیگران، ۱۳۷۴: ۳۴). علاوه بر این ساخت وسازها، وجود اوقاف سبب شد بناهای متعدد دیگری چون مسجد و مدرسه به دستور عمادالدوله احداث شود. دکان‌ها و مستغلات و املاکی که وی به منظور حفاظت و نگهداری از مسجد و مدرسه و مؤسسات عام‌المنفعه وقف کرد، شامل حدود ۶۳ مغازه در بازارهای بزازخانه و قیصریه و کاروان‌سرا بود. علاوه بر آن، ۲۸ روستا را نیز در منطقه چمچمال وقف کرد (کشاورز، ۱۳۸۲: ۵۶) این ایالت از نظر موقوفات دوره قاجار رتبه پنجم در کشور را به خود اختصاص داده بود (زارعی و حیدری باباکمال، ۱۳۹۶: ۳۲). موقوفات علاوه بر ایجاد زیرساخت‌های شهری، در شکل‌گیری مشاغل پاره‌وقت و تمام‌وقت اهمیت داشت. علاوه بر والیان که دست به ساخت‌وساز و آبادانی در این ایالت می‌زدند، بازرگانان بزرگ و ثروتمند نیز چنین اقداماتی انجام می‌دادند (گروته، ۱۳۶۹: ۱۰۶). سرهنگ وایسلی ایوانویچ چریکف<sup>۱</sup> روسی با توجه به مأموریتی که داشت، گزارش مبسوط و دقیقی از شهر کرمانشاه داده که رشد و شکوفایی این شهر در آن کاملاً آشکار است: «در حدود ده بازار در شهر وجود دارد. تعداد دکان‌ها در بازار به ۴۴۰ دکان می‌رسد. میدان‌های عمده شهر عبارت‌اند از میدان سربازخانه، میدان توپخانه، میدان علاف‌خانه، چهل کاروان‌سرا و عمارت و بنا از جمله سربازخانه، دیوان‌خانه، بازستان‌خانه<sup>۲</sup>، آیینه‌خانه، دیوان‌خانه محمدعلی میرزا» (چریکف، ۱۳۵۸: ۶۲).

از جمله اقدامات مهم عمرانی دیگری که اجرا شد، ساخت کاروان‌سراها بود. عضدالملک (۱۳۷۰: ۵۸) به وجود کاروان‌سراهای متعددی که در حال ساخت بودند، اشاره کرده‌است. چنانچه حاجی محمدباقر قزوینی، که یکی از بازرگانان بزرگ این ایالت بود، در شهر صحنه رباطی ساخت. این عمارت هنگامی که عضدالملک از آنجا عبور می‌کرد، نیمه‌کاره بود اما از قسمت‌های ساخته‌شده، بسیار تعریف و تمجید کرده و آن را از کاروان‌سراهای ساخته‌شده در دوره صفویه محکم‌تر و وسیع‌تر دانسته‌است (همان: ۶۲). مورد دیگر، کاروان‌سرای بود که به دستور حسن خان، کلاتر سابق کرمانشاه، در کنار روستای «آب باریک» ساخته شد (همان: ۶۴). از دیگر تغییرات به‌وجودآمده در معماری و ساخت‌وسازها، احداث خانه‌های ویژه اشراف بود. سبک ساخت این خانه‌ها به خوبی نشان‌دهنده اختلافات فاحش میان سبک زندگی مردم عادی و طبقه اشراف در آن دوران است؛ که این تفاوت ناشی از فراهم شدن شرایط اقتصادی جدید با توجه به گسترش روابط اقتصادی بود. زمانی که کنت دوسرسی به کرمانشاه آمد، محمدعلی میرزا دولت‌شاه آن‌ها را در خانه‌ای بسیار زیبا اسکان داد. این خانه به منظور استفاده شاهزادگان قاجاری ساخته شده بود که در میان باغ بسیار بزرگی قرار داشت (دوسرسی، ۱۳۹۰: ۲۲۶-۲۲۷). از خانه‌های اشرافی دیگر می‌توان به قصری که عمادالدوله ساخت اشاره کرد و هنگامی که دکتر ویلز به کرمانشاه آمد، از وی دعوت کرد تا

1. Vasily chuchihov

۲. بازستان کسی است که عشور زمین و خراج باغ و اشجار و بوستان را می‌گیرد. بازستان‌خانه همان اداره مالیات امروزی است. (دهخدا، ذیل مدخل [س] [نف مرکب]).

از آن بازدید کند. در بیان بزرگی و شکوه این قصر همان قدر کافی است که دوپست اسب در حیاط حصار طویله‌اش به آخور بسته شده بود (ویلز، ۱۳۶۸: ۱۵۵).

در کتاب *دستور الاعتقاب* درباره پیشرفت این شهر در دوره دولت‌شاه چنین آمده است: «دارالدوله کرمانشاهان شهری بود مشحون به ده‌هزار خانه مسکون، شش‌هزار دکان دایر، خانات و حمامات و مساجد و مدارس را بر این قیاس می‌باید ... و آبادانی به نوعی انجامید که مشتی خاک را به کیل سیم پاک ندادند (نواب تهرانی، ۱۳۷۶: ۵).

در طراحی سیمای کلی شهر، عناصری از معماری غربی وارد معماری ایرانی شد؛ این عناصر، تأثیر خود را بر ساختمان‌های سلطنتی، اعیانی و همچنین مساجد و بناهای عمومی و مسکونی گذاشتند. نفوذ عناصر معماری غربی در ساخت‌وسازها و ترکیب آن با معماری ایرانی، سبک متفاوتی به وجود آورد که از نمونه‌های آن می‌توان به کاخ حکومتی اشاره کرد که به دست دولت‌شاه بنا شد و در اطراف آن عمارت‌های چند مرتبه‌ای به شکل «کلاه فرنگی» ساخته شد (اوبن، ۱۳۶۲: ۳۳۹). از این سبک معماری - یعنی نمای دوطبقه کاخ‌ها و ساختمان‌های با فرم کلاه فرنگی - می‌توان فهمید که این ساختمان‌ها را با هدف لذت بردن از یک چشم‌انداز زیبا می‌ساختند (لوشای، ۱۳۸۱: ۳۳).

از موارد دیگری که سبب تحول معماری در مرکز این ایالت شد، مهاجرت بازرگانان یهودی بغدادی در این ایام بود. آنان نقش تعیین‌کننده‌ای در بازار کرمانشاه داشتند. جمعیت آن‌ها تقریباً به ۱۴۰ نفر می‌رسید که در چهار کوچه باریک و پرپیچ‌وخم در محله فیض‌آباد کرمانشاه اسکان یافتند. آنان جامعه بسته‌ای را تشکیل دادند؛ زیرا مسلمانان به دلیل تعصبات مذهبی، از فروش منزل به آن‌ها امتناع می‌کردند و آنان مجبور شدند برای خود خانه بسازند، اما باز هم در این راه مشکلات و تنگناهای فراوانی داشتند؛ زیرا امکان بهره‌گیری و استفاده از معماران و کارگران مسلمان را نداشتند (زارعی و حیدری باباکمال، ۱۳۹۳: ۱۴۶). به همین سبب در ساخت خانه فقط می‌توانستند به خود متکی باشند؛ بنابراین در ساخت خانه‌ها الگوهای سنتی معماری خود را مبنا قرار دادند و با توجه به اختلافات اقلیمی و ساختاری میان ایالت کرمانشاهان و بغداد، مجبور شدند با ایجاد تغییرات جزئی، همان الگوی خانه‌های خود در بغداد را در کرمانشاه اجرا کنند و به شکل جدیدی دست یافتند که در نوع خود، نمونه منحصر به فرد به شمار می‌آمد. از نمونه‌های باقی‌مانده این سبک می‌توان به عمارت خواجه جوری، عمارت حکیم نصیر، عمارت خواجه باروخ اشاره کرد.

علاوه بر تغییرات در معماری شهری، در تزئینات داخلی منازل هم تغییراتی برگرفته از فرهنگ غربی را به خوبی می‌توان مشاهده کرد. الگوبرداری از فرهنگ و هنر کشورهای غربی را می‌توان از شاخصه‌های هنر این دوران دانست (خاتون‌آبادی، ۱۳۹۰: ۴۰). علاوه بر تحولات به‌وجود آمده در معماری و ساخت خانه‌ها، تزئینات داخلی منازل و حتی اماکن مذهبی نیز جنبه‌های نوآوری فرهنگ غربی را در

خود داشتند. شاکله فرهنگی و اجتماعی جامعه آن روز را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد؛ یکی بدنه مردمی و سنتی جامعه، و دیگری حاکمان و بازرگانان و روشن‌فکران که در مواجهه با فرهنگ و تمدن غرب سعی داشتند در جهت غربی شدن جامعه گام بردارند. در این زمان، نقاشی و روایات تصویری در محیط‌های عمومی بروز بیشتری پیدا کردند. دیوارنگاری در دوره قاجار با ایجاد حجاری‌ها در همان اوایل دوران پادشاهی فتحعلیشاه شروع شد و به آرامی جای خود را به نقاشی دیواری سپرد (دیبا، ۲۰۰۱: ۵). از ویژگی‌های نقاشی‌های در اوایل حکومت قاجار، ترسیم صورت و اندام زنان همانند مردها بود که فقط با نوع و شکل لباس از یکدیگر متمایز می‌شدند، اما با گذشت ایام، چنین نقوشی جای خود را به رخسار زن‌های فرنگی داد و در این تصاویر جدید، ظرافت‌های زنانه به خوبی آشکار بود (نجم‌آبادی، ۲۰۰۱: ۸۹-۹۲). بهترین نمونه از چنین آثاری را می‌توان در عمارت صارم‌الدوله، پسر ارشد امام‌قلی میرزا، حاکم کرمانشاه، دید که به شکل بسیار دقیق و زیبایی، روند فرنگی‌سازی هنر نقاشی دیواری در میان جامعه ایرانی آن روزگار را به نمایش گذاشته است. آثار به‌جای‌مانده در قالبی بسیار اروپایی با مضامینی مانند شاه و وزیر و رخسار زنان و مردان با الگوی اروپایی و آرایش‌های جنگی طراحی شده‌اند؛ زنان مانند گذشته دیگر اندامی مانند مردان و چهره پوشیده ندارند و با لباس و پوششی کاملاً فرنگی و هویتی جدید در مجالس مختلط حضور یافته‌اند. تصاویر به‌جای‌مانده در عمارت صارم‌الدوله به درستی نشان‌دهنده تغییرات ظاهری جامعه ایران در آن دوران است که گروه حاکمان و تاجران و روشن‌فکران با جایگزینی الگوی فرنگی به‌جای الگوی سنتی، سعی داشتند زندگی خود را به سبک و سیاق کشورهای اروپایی تغییر دهند (انصاری و دیگران، ۱۳۹۶: ۲۱). در این ایام، تحولات گسترده‌ای در نقاشی دیواری به وجود آمد و تا آنجا پیش رفت که به حضور نقاشی دیواری در مساجد نیز منجر شد و نمونه آن را می‌توان در مسجد دولت‌شاه کرمانشاه دید (حسینی و احمدزاده، ۱۳۹۶: ۶۶).

### زمینه‌های گسترش تشیع

با توجه به موقعیت جغرافیایی کرمانشاهان و قرار گرفتن بر سر راه کاروان‌های زیارتی، زمینه‌های گسترش مذهب تشیع در این ایالت بیش از پیش فراهم شد که به طور اختصار می‌توان به این موارد اشاره کرد:

#### ۱. ساخت مساجد و تکایا

وجود بناهای مذهبی، از همان آغاز پیدایش در شهرها شناخته شده‌اند و تا امروزه همچنان با حیات آن‌ها در هم آمیخته‌اند (جیمز، ۱۳۶۸: ۱۴). مهم‌ترین نقش مساجد در محلات، فرهنگی و مذهبی بود. این

موضوع را می‌توان طراحی محیطی سازمان‌یافته با کارکردهای مختلف در ساختار نظام محله‌ای به‌عنوان یک عنصر قالب و هویت‌بخش در محلات شهری دانست (زارعی و حیدری باباکمال، ۱۳۹۶: ۱۰۶). مساجد محله‌ای متعددی در این دوران در کرمانشاه ساخته شدند؛ از جمله مساجد عمادالدوله و حاج شهبازخان و دولت‌شاه که به شهادت سیاحانی که در قرن نوزدهم به ایران آمده‌اند، مساجد یکی از مهم‌ترین و باشکوه‌ترین بناهای شهری در هر ایالت بوده‌اند، چنان‌که ناصرالدین‌شاه قاجار (۱۳۸۹: ۵۴) در سفرنامه‌اش، به مساجد این شهر به خوبی اشاره کرده‌است.

احداث مساجد و اماکن متبرک در همان اوایل سلسله قاجار گسترش یافت (زرگری نژاد، ۱۳۸۵: ۱۱۴). تکایا نقش بسیار مهمی در نهادینه‌سازی عزاداری در دوره قاجار ایفا کردند، به طوری که از فقیرترین مردم تا شخص پادشاه، در آن حضور داشتند. در دوره فتحعلی‌شاه، تکایای ثابت برپا شد و زمان حکومت محمدشاه، مراسم عزاداری رونق بیشتری یافت و تکایای فراوانی ساخته شد (بیگی، ۱۳۸۹: ۳۱۶)، اما در دوران ناصرالدین‌شاه و بعد از آن، تکیه‌ها به شکل رسمی محل اجرای برنامه‌های عزاداری و نمایش‌های مذهبی شدند (محدثی، ۱۳۷۴: ۱۱۷)؛ از جمله تکایای ساخته‌شده در کرمانشاه می‌توان به تکیه بیگلربیگی و امام‌جمعه و معاون‌الملک اشاره کرد.

## ۲. رفت و آمد علما و طلاب و هنرمندان و...

با روی کار آمدن قاجارها، فصل جدیدی در روابط میان علما و حکومت در ایران گشوده شد. پادشاهان این سلسله، نسب به ائمه اطهار نمی‌بردند و از این نظر، اقتدار کاریزماتیک را نداشتند و برای مشروعیت‌بخشی به حکومت خود، به حمایت علما نیاز داشتند. از عواملی که سبب افزایش آمار طلاب ایرانی در عتبات عالیات نسبت به سایر ملیت‌ها شد، حمایت دربار از آنان بود. وضع اقتصادی کشور نیز تأثیر فراوانی در روند این افزایش داشت. همچنین ایجاد اوقاف از طرف مقامات حکومتی و اشخاص ثروتمند باعث شد گرایش طلاب و جوانان به کسب مدارج علوم دینی افزایش یابد (میر لیتواک، ۱۳۸۴: ۱۴۲)، چنان‌که حاجی پیرزاده، تعداد علمای ایرانی در عتبات عالیات را هشت‌هزار نفر و عرب‌ها را هزار و چهارصد نفر گزارش کرده‌است (پیرزاد نائینی، ۱۳۴۳: ۳۳۳). علاوه بر موارد یادشده، بعضی از فرزندان مراجع تقلید در عتبات عالیات نیز فقط به دلیل استفاده از نام نیک پدران خود به ایران مهاجرت می‌کردند و پس از استقرار، صاحب موقعیت اجتماعی والایی می‌شدند و تعداد بسیاری از آنان در این ایالت مسقر شدند.

به شکل طبیعی، جاده‌هایی که در مسیر زائران قرار داشتند، یکی از راه‌های گسترش فرهنگ و از جمله شعائر دینی و مذهبی بودند. در کاروان‌های زیارتی، روحانیانی حضور داشتند که احکام و موضوعات دینی را برای کاروانیان تشریح و تبیین می‌کردند. علاوه بر آنان، اشخاصی با عنوان چاووش‌ها



در میان کاروانیان بودند که ورود و خروج کاروان‌ها را به شهرها و مناطق مهم اعلام می‌کردند. این عمل آنان موجب افزایش روحیه معنوی و مذهبی در میان کاروانیان و محل‌هایی می‌شد که به آن وارد می‌شدند (ادیب‌الممالک، ۱۳۶۴: ۴۹). کاروان‌های زیارتی، بیشتر در فصل پاییز حرکت می‌کردند؛ زیرا هم هوای بین‌النهرین ملایم‌تر شده و هم کشاورزان ایرانی محصولات خود را برداشت کرده بودند (گروته، ۱۳۶۹: ۱۵۲). علاوه بر این، در ایام خاص مذهبی مانند محرم و صفر و اعیاد نیز سفرهای زیارتی بیشتری صورت می‌گرفت (قراگزلو، ۱۳۵۴: ۴۵۳).

از موارد تأثیرگذار بر گسترش مظاهر تشیع در این ایالت، برگزاری مراسم روضه‌خوانی و تعزیه بود که در برخی از کاروان‌سراها برگزار می‌شد. در ایام محرم، حرکت دسته‌ها طوری برنامه‌ریزی می‌شد که از دو یا سه کاروان‌سرا بگذرند و در آنجا از عزاداران پذیرایی و استقبال می‌کردند (اعتصام‌الملک، بی تا: ۹۱). بازرگانان بزرگ و معروف، میزبانی آن‌ها را بر عهده داشتند. این گونه مراسم علاوه بر تأثیرات مذهبی، به تقویت وحدت ملی جامعه نیز کمک می‌کرد (گروته، ۱۳۶۹: ۳۵۲)؛ البته شایان ذکر است مسافرت‌های زیارتی فقط از طرف زائران ایرانی به عتبات عالیات نبود که سبب شلوغی این مسیر شده بود، بلکه اعراب شیعه‌مذهب بغدادی و بحرینی نیز برای زیارت مشهد مقدس، از همین راه مسافرت می‌کردند (فلاندن، ۱۳۵۶: ۳۰۱). این حرکت کاروان‌ها علاوه بر پیامدهای اقتصادی، سبب تبادلات فرهنگی فراوانی در این منطقه شد.

از دیگر عواملی که در گسترش زمینه‌های ترویج تشیع نقش داشت، حضور شاهزادگان فرهنگ‌دوستی چون محمدعلی میرزای دولت‌شاه بود. علاقه‌مندی علمی و مذهبی وی سبب شد از کاروان‌های علما و طلابی که به عتبات عالیات رفت‌وآمد داشتند، استقبال و پذیرایی شود و جلسات بحث و تبادل افکار و آرا بر پا کنند که می‌توان به استقبال و پذیرایی ویژه وی از شیخ احمد احسائی اشاره کرد (محبوبی اردکانی، ۱۳۷۴: ۶۲۳). این پذیرایی چنان باشکوه بود که دیگر منابع نیز بدان اشاره کرده‌اند (دومرگان، ۱۳۳۹: ۱۰۲) و شهر کرمانشاه به یکی از مراکز مهم فرهنگی و علمی در کشور تبدیل شد. علت آن شاید تشکیل مکتب‌خانه‌های عمومی و بنای مساجد و کتابخانه‌ها بود که محمدعلی میرزای دولت‌شاه ساخت (والی‌زاده معجری، ۱۳۸۰: ۲۱). در تمام دوران سلسله قاجاری، تعمیرات و توسعه حرم‌های ائمه اطهار در عتبات عالیات با حمایت‌های مالی ایرانیان - اعم از پادشاهان و اشراف و بازرگانان - صورت می‌گرفت. به همین دلیل، بسیاری از مرقد‌های امامان، معماری اسلامی - ایرانی داشتند. در پناه توجه محمدعلی میرزای دولت‌شاه، معماری و قلم زنی و نقاشی و خوش‌نویسی و شعر و ادب و در یک کلام فرهنگ ایرانی - اسلامی در شهر کرمانشاه احیا شد، چنان‌که شاعران شایسته و استعداد‌های ادبی از گوشه و کنار کشور به اینجا مهاجرت کردند و کانونی از شعر و ادب در این شهر پی‌ریزی شد (بایندر، ۱۳۷۰: ۴۰۱).

ساخت و تعمیر مساجد، برقراری ارتباط با علما، حضور پادشاهان در اماکن زیارتی، برپایی مراسم باشکوه تعزیه، از اقدامات پادشاهان قاجار در این دوران بود که به منظور کسب مشروعیت دینی اجرا می‌شد.

شد (سرنه، ۱۳۶۱: ۱۹). حضور پررنگ پادشاهان قاجار در مراسم مذهبی به منظور کسب مشروعیت حکومت خود بود، اما برای سادات و علما که در مرکز برگزاری مراسم بودند، از نظر اقتصادی هم درآمدهای فراوانی به ارمغان می‌آورد. خاندان‌های روحانی فراوانی از داخل و خارج کشور (عتبات عالیات) در این دوران به ایالت کرمانشاهان آمدند که امروزه از خاندان‌های بزرگ روحانی و تأثیرگذار این استان به شمار می‌روند؛ برای نمونه می‌توان خاندان‌های جلیلی و حاج‌آخوند و سادات موسوی اجاق را نام برد (سلطانی، ۱۳۷۰: ۱۸۰-۲۰۱). این اوضاع سبب شد نوعی شجاعت مذهبی در میان مردمان شیعه این مناطق پدیدار شود؛ بنابراین، مردم مذهب خود را کتمان نمی‌کردند. کتاب‌های مذهبی شیعه نیز از این راه به عتبات عالیات منتقل می‌شد. اگرچه در گمرک بغداد سختگیری‌هایی صورت می‌گرفت، این انتقال به هر شکل ممکن صورت می‌پذیرفت. علاوه بر بهره‌های مذهبی‌ای که مردم ایران و روحانیان از راه عتبات عالیات می‌بردند، یهودیان و مبلغان امریکایی و انگلیسی هم بی‌بهره نبودند.

## زبان و لهجه

با توجه به گسترش روابط اقتصادی، این ایالت مورد توجه دیگر هم‌وطنان قرار گرفت؛ اقوامی چون لرها و ترک‌زبانان آذربایجان و تاجرهایی از اصفهان و شیراز به این شهر آمدند. با وجود اینکه بیشتر سکنه در این ایالت کرد و لر بودند، اقامت گزیدن کارمندان و روحانیان و بازرگانان سبب شد این شهر، چهره‌ای فارسی به خود بگیرد؛ البته عشایر و اهالی روستاهای اطراف همچنان همگی کرد باقی ماندند (بایندر، ۱۳۷۰: ۹۹). در کرمانشاه، مرکز ایالت، غالباً مردمان به زبان فارسی حرف می‌زدند، ولی فارسی آنان با اصطلاحات کردی در هم ادغام شد و گویش و لهجه کرمانشاهی شکل گرفت. اوبن (۱۳۶۲: ۳۴۵) درباره نژاد و لهجه مردم این ایالت چنین آورده‌است: «اهالی این ایالت کرد هستند و آنان به لهجه مخصوص خود صحبت می‌کنند. زبان و آداب و رسوم ایرانی در اینجا خیلی بیشتر از میان کردان شمال رواج داشت».

از دیگر تغییرات فرهنگی، آموزش و استفاده از سایر زبان‌های خارجی بود. یکی از ادیان و مذاهبی که حضور پیروان آن در این ایالت افزایش یافت، یهودیان بودند. آنان برای زیارت و رفتن به مقبره «استر و مردخای» در همدان، راه بغداد - قصرشیرین را در پیش می‌گرفتند و آن شهر به یکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین مراکز یهودیان آن زمان در ایران شد (گروته، ۱۳۶۹: ۱۴۷)، طوری که در آنجا مدارس مذهبی تأسیس کردند. راه‌اندازی مدارس آلیانس به دست کلیمیان سبب شد تا تعدادی از مسلمانان برای تحصیل به آن مدارس وارد شوند. در پی آن، در کرمانشاه نیز مدارس تشکیل شد. با توجه به اینکه در آن مدارس زبان فرانسوی تدریس می‌شد، تعداد زیادی از اهالی همدان و کرمانشاه هم با زبان فرانسه آشنا شدند؛ تاجایی که حتی اعیان و اشراف کردستان نیز فرزندان‌شان را برای آموزش به این مدارس می‌فرستادند (ناطق، ۱۳۸۱: ۸۳).

### معرفی آثار باستانی در سطح جهانی

در پی این تحولات، رفت‌وآمد فرهنگی‌ها به ایران افزایش یافت که یکی از علل آن، بررسی راه‌های جغرافیایی و موقعیت‌های راهبردی و تاریخی این سرزمین بود؛ بنابراین، ایالت کرمانشاهان با وجود آثار مهم تاریخی که داشت، مورد توجه آنان قرار گرفت (بنی‌اقبال و حیدری، ۱۳۸۸: ۱۸). بیشتر سیاحان و جهانگردانی که از این ایالت گذشتند، درخصوص آثار تاریخی به‌جای‌مانده در آن، تحقیق و پژوهش کردند و به همین سبب در معرفی این آثار در سطح بین‌المللی نقش مهمی ایفا کردند.

علاوه بر اهداف سیاسی و اقتصادی که این گروه‌ها داشتند، دانشمندان شرق‌شناس نیز به منظور کشف آثار باستانی در مسیر جاده کرمانشاهان مسافرت می‌کردند؛ خواندن کتیبه بیستون یکی از مهم‌ترین نتایج اقدامات آن‌ها بود. این کتیبه، یکی از مهم‌ترین مکتوبات مربوط به دوره هخامنشیان است که بر کوه بیستون حجاری شده و تا سال ۱۲۵۰ قمری / ۱۸۳۵ میلادی کسی از راز آن آگاه نبود. نخستین شخصی که از متن کتیبه بیستون نسخه‌برداری کرد، راولینسون انگلیسی بود که مأموریت داشت سربازان شاهی را در ایران تربیت کند. وی علاقه فراوانی به تاریخ این مرزوبوم داشت و توانست رمز خواندن سنگ‌نبشته‌های فارسی باستان کوه بیستون را کشف کند و سراسر جهان با این کشف بزرگ، از نام او پرآوازه شد (پولاک، ۱۳۶۸: ۶۱). آثار باستانی فراوان دیگری در ایالت کرمانشاهان وجود دارد که در این ایام، مستشرقان و سیاحان و نمایندگان سیاسی کشورهای دیگر از آن بازدید کردند و گزارش‌های مفصلی در آثار به‌جای‌مانده از آنان را می‌توان دید (دوسرسی، ۱۳۹۰: ۲۲۱).

### ارتقای سطح بهداشت

به استناد گزارش‌های جهانگردان و سفرنامه‌نویسان خارجی و متون تاریخی، وضع بهداشت در جامعه ایران دوره قاجار بسیار فلاکت‌بار بود، چنان‌که از هر ده نوزادی که به دنیا می‌آمد، فقط سه تن از آنان به سه‌سالگی می‌رسید. در جامعه آن روز، امراض گوناگون و همه‌گیری مانند وبا و ابله و خناق (دیفتری) بسیار شایع بود که با طب سنتی رایج، کنترل و درمان نمی‌شد. پزشکی نوین و پزشکان ماهر برای درمان این بیماری‌های نوپدید، نیاز مبرم جامعه ایران بودند. نبود شناخت و آگاهی، از علل اصلی گسترش این بیماری‌ها بود و تسلط فرهنگ خرافات سبب به وجود آمدن محیطی وحشتناک در مقابله با بیماری‌ها شده بود (سرنا، ۱۳۶۳: ۱۳۷). طب سنتی رایج در جامعه، نمی‌توانست سدی در مقابل بیماری‌ها ایجاد کند (مستوفی، ۱۳۷۷: ۵۲۸). در این ایام، با آمدن پزشکان اروپایی، این ناآگاهی‌های فرهنگی و ناتوانی جامعه اطباء داخلی در برابر بیماری‌های همه‌گیر، به شکل بسیار ملموسی نمایان و آشکار شد (شیل، ۱۳۶۸: ۱۷۴). به همین دلیل، در همه ایالت‌ها از ورود پزشکان خارجی استقبال می‌شد.

با توجه به اوضاع ویژه‌ای که به علت گسترش روابط خارجی در ایالت کرمانشاهان به وجود آمد، زمینه‌های گسترش بیماری‌های واگیر نیز فراهم شد؛ از یک‌سو رعایت نکردن نکات بهداشتی کاروان‌های زیارتی که اموات را با خود حمل می‌کردند و از سوی دیگر طولانی بودن مسیر و گرمی هوا، مزید بر علت شد تا بیماری‌های مسری در این ایالت گسترش یابد. زائران ایرانی به بیماری‌های رایج و شایع در خاک عثمانی مبتلا می‌شدند و به هنگام بازگشت آن را با خود به ایران می‌آوردند. شیوع وبا در سال ۱۲۹۴ قمری در خاک عراق، موجب ابتلای تعدادی از زائران ایرانی شد. هفتمین بیماری همه‌گیر وبا که در سال ۱۳۲۰ قمری / ۱۹۰۳ میلادی رخ داد، زمانی بود که این بیماری از مسیر مکه و عراق، از راه خلیج فارس و ایالت کرمانشاهان وارد کشور شد (فلور، ۱۳۸۷: ۱۷). این بیماری از راه بغداد به کرمانشاهان رسید، اما امکان دسترسی به اطلاعات دقیق درخصوص جزئیات آن نیست (ژوانس، ۱۳۸۸: ۱۶۰). گروه (۱۳۶۹: ۹۹) در حال سیر و سیاحت در غرب و مرکز ایران، روستاهای ویران‌شده فراوانی دید که مردمانش بر اثر وبا فوت کرده و آنانی هم که زنده مانده بودند، مجبور به ترک آنجا شده بودند.

انتقال مردگان به شهرهای مقدس (کربلا، مشهد، قم) در آن دوران از نظر بهداشتی یک فاجعه محسوب می‌شد؛ زیرا امکان نگهداری و حفظ اجساد به خوبی میسر نبود و جنازه‌ها فقط در یک نمد بسته‌بندی می‌شدند و روی چهارپایان انتقال می‌یافتند (بایندر، ۱۳۷۰: ۳۸۲). هنگامی که در خاک عثمانی، ناخوشی وبا شایع شد، در شهر بعقوبه، قرنطینه اجرا و اجازه عبور جنازه‌ها را ندادند. حتی از طرف والی کرمانشاهان هم به منظور جلوگیری از شیوع بیماری، حکم شد تا حیوانات و خوردنی‌ها به خاک عثمانی ارسال نشود و هر جنازه‌ای هم که به خاک عثمانی برده بودند، به اجبار برگرداندند (عباسی و بدیعی، ۱۳۷۲: ۶۹).

پس از انعقاد عهدنامه ارزروم دوم، جریان انتقال جنازه‌ها به عتبات عالیات افزایش چشمگیری یافت. بنابر گزارش کارپرداز ایران در بغداد، در سال ۱۳۲۹ قمری تقریباً بیست‌هزار جنازه از ایران به عتبات عالیات منتقل شد. هانری بایندر<sup>۱</sup> و لایارد<sup>۲</sup> و اوژن اوبن، درخصوص چگونگی نقل و انتقال اجساد و نم‌پیچ کردن و حمل در تابوت گزارش‌های مبسوطی دارند. دکتر آلبو<sup>۳</sup> آلمانی نیز تلاش‌های فراوانی درباره ایجاد قرنطینه با هدف کنترل وضع بهداشت در مناطق غربی ایران از جمله ایالت کرمانشاهان انجام داد. وی به منظور پیشگیری از ورود بیماری‌هایی چون وبا و طاعون به داخل خاک ایران، تلاش فراوانی کرد (عباسی و بدیعی، ۱۳۷۲: ۸۶). از اقدامات مهم بهداشتی که در دوره قاجار اجرا شد تا از شیوع بیماری مسری آبله جلوگیری کند، اجرای برنامه آبله‌کوبی بود که در دوران پادشاهی فتحعلی‌شاه آغاز شد. دکتر کورمیک انگلیسی - که پزشک مخصوص عباس‌میرزا، ولیعهد، در تبریز بود - رساله‌ای در باب بیماری

1. Henry Bayindir
2. Layard
3. Elbow

آبله نوشت و منتشر کرد؛ اما قانون آبله‌کوبی عمومی را میرزا تقی‌خان امیرکبیر بنیان نهاد. دکتر پولاک می‌نویسد: «چون امیرکبیر به افزایش جمعیت مملکت علاقه‌مند بود، آبله‌کوبی را در سرتاسر ایران مرسوم ساخت، رساله‌ای در این باب از زبان انگلیسی به فارسی ترجمه و چاپ کرد و آبله‌کوبانی با حقوق کافی به ولایات فرستاد». (پولاک، ۱۳۶۸: ۲۳۳)

در همین زمان، محمدعلی میرزا دولت‌شاه نیز اقدامات واکسیناسیون آبله را در نواحی مرزی میان ایران و عثمانی آغاز کرد. جین دمورات<sup>۱</sup>، تاجر فرانسوی، اقدامات واکسیناسیون را در کرمانشاه عهده‌دار بود. این شخص، آبله‌کوبی را در شهر بغداد به سال ۱۲۲۳ قمری / ۱۸۰۹ میلادی انجام داد. در همان سال نیز حاکم ایالت کرمانشاهان برای انجام واکسیناسیون از او دعوت کرد و در کرمانشاه بیش از پانصد کودک واکسینه شدند که در میان آنان ۲۵ شاه‌دخت و شاهزاده قاجار حضور داشتند (فلور، ۱۳۸۶: ۴۸).

از دیگر بیماری‌های مسری که باعث مرگ‌ومیر فراوان شد، بیماری آنفلوانزا بود که بنا بر گزارش گیلومر، به احتمال بسیار، در ادامه بیماری همه‌گیر آنفلوانزای اسپانیایی بود که از سه سوی ایران (کرمانشاه، عشق‌آباد، بوشهر) به داخل کشور وارد شد (همان: ۲۷). رواج بیماری‌های واگیر در این منطقه، سبب شد پای پزشکان داخلی و خارجی به این ایالت باز شود. یکی از پزشکان فرانسوی به نام دکتر ووم<sup>۲</sup> در آن دوران سمت دکتر صحیبه دولتی کرمانشاه را بر عهده داشت (بایندر، ۱۳۷۰: ۴۰). علاوه بر پزشکان خارجی، از پزشکان ایرانی نیز در این ایالت استفاده می‌شد؛ چنان‌که احتشام‌الحکما که از تحصیل‌کردگان مدرسه دارالفنون بود، در این ایالت مستقر شد (سدیدالسلطنه، ۱۳۶۲: ۲۰۵).

### مدارس نوین در کرمانشاه

تأسیس مدارس با محتوای آموزشی جدید از موضوعات بسیار مهم فرهنگی و بحث‌برانگیز در تاریخ معاصر ایران است. با توجه به ویژگی‌های فرهنگی مردم شهر کرمانشاه، این تنش‌ها نمود بیشتری داشت. مدارس جدید با شکل‌گیری نخستین کانون‌های روشن‌فکری و اندیشه‌ی قانون‌خواهی رواج یافت و دسته‌ای از تحصیل‌کردگان بومی به فکر تأسیس مدارس برآمدند. موقعیت خاص جغرافیایی این ایالت و ارتباط گسترده تجاری با عثمانی و سایر کشورهای اروپایی، سبب شد تا حدودی جامعه آن روز کرمانشاه آماده پذیرش نهادها و مؤسسات جدید تمدنی باشد (علوی‌کیا، ۱۳۹۶: ۳۵-۳۶).

در قرن نوزدهم، کشورهای غربی در عرصه‌های گوناگون اجتماعی، فرهنگی، علمی آن‌چنان ترقی و پیشرفتی به دست آوردند که توجه سایر ملل را به خود جلب کردند و روشن‌فکران و اصلاح‌طلبان ایرانی

1. Gene Demorat

2. Whom

را - مانند دیگر کشورها - بر آن داشت تا برای ایجاد اصلاحات و بهبود اوضاع کشور چاره‌ای بیندیشند. با توجه به نقش آموزش در فرهنگ‌سازی و فراهم ساختن زمینه اصلاحات، سبب شد تا توجه ویژه‌ای به این مهم داشته باشند. با تلاش روشن‌فکران و نواندیشان، مدارس با محتوای آموزشی جدید تأسیس شدند. ارتباط ایرانیان با تمدن غرب، از علل عمده شکل‌گیری چنین مدرسی شد که از نظر محتوا و شیوه‌های آموزشی، اقتباسی از آموزش کشورهای غربی بود و سبب شد در امر آموزش عمومی، تغییر و تحول اساسی به وجود آید. این روند را می‌توان از پیامدهای صنعتی شدن کشورهای پیشرفته آن دوران برشمرد که ایجاب می‌کرد هرچه زودتر آموزش‌های عمومی گسترش یابد (لعل نهرو، ۱۳۸۷: ۷۸۷). گروه تجار و بازرگانان به دلیل ارتباطی که با کشورهای دیگر داشتند، بیش از سایر گروه‌ها در گسترش مدارس جدید تلاش می‌کردند و این در ابتدا به دلیل نیاز آنان به افراد باسواد و تحصیل کرده به منظور شناخت و آگاهی افراد جامعه با تحولات کشورهای اروپایی به منظور گسترش تجارت و مناسبات بازرگانی با آنها بود. این ایالت در یکی از مناطق سرحدی کشور قرار داشت و بازرگانان و روشن‌فکران این منطقه نیز خواهان تأسیس مدارس با محتوای آموزشی جدید شدند (سلطانی، ۱۳۷۰: ۲۸۲).

تجار و بازرگانان کرمانشاهی از پیشگامان اصلاحات و نوسازی سازمان اداری و تمدنی در این ایالت به شمار می‌رفتند. آنان در میان محموله‌های تجاری خود، کتاب‌ها و نشریات آزادی‌خواه را نیز وارد می‌کردند و به دست محافل سری روشن‌فکران می‌رساندند: «محمد طاهر، تاجر کرمانشاهی، مردی صاحب ذوق و اهل مطالعه بود. روزنامه حبل‌المتین کلکته و بعضی جراید و کتب خارجی دیگر را در لای عدل و منقال و مال‌التجاره وارد و انتشار می‌داد» (غیرت کرمانشاهی، ۱۳۳۸: ۹۸).

از موارد تأثیرگذار در شکل‌گیری مدارس جدید، حضور والیان روشن‌فکر در این ایالت بود. عمادالدوله در پیدایش تشکلهای سیاسی نوگرا و جنبش نوسازی ساختار سیاسی - اداری جامعه، بسیار تأثیر گذاشت. فرزند او محتشم‌الدوله نیز از حامیان جدی تأسیس مدارس بود. با ترور ناصرالدین‌شاه در سال ۱۲۷۵ قمری و به پادشاهی رسیدن مظفرالدین‌شاه، اوضاع مناسبی برای ایجاد اصلاح نظام آموزشی در کشور فراهم شد. زمانی که نایب‌السلطنه والی آذربایجان شد، از مدارس جدید رشديه که در آن ایالت تأسیس شد، حمایت کرد (رینگر، ۱۳۸۱: ۱۷۸). نکته بسیار مهم در این مسئله، حضور پررنگ مشروطه‌خواهان کرمانشاهی در میان شخصیت‌هایی است که از پیشگامان جنبش تأسیس مدارس جدید به سبک کشورهای اروپایی بودند که خود بیانگر این مطلب است که آنان درک صحیحی از پیوستگی آموزش و رهایی سیاسی داشتند (معمدی و ساری اصلان، ۱۳۸۵: ۱۲۳). نخستین هسته‌های جنبش روشن‌فکری در اواسط دوران حکومت ناصرالدین‌شاه در شهر کرمانشاه آشکار شد. نمونه‌های آن با پیدایش محافل روشن‌فکری مانند جامع آدمیت (۱۳۲۵ قمری / ۱۹۰۷ میلادی) و انجمن حقوق (شاخه کرمانشاه) نمود یافت که بیانگر تغییر در فرهنگ عمومی جامعه آن روز کرمانشاه محسوب می‌شود. تأسیس مدارس به

شکل نوین با الگوی برگرفته از مدرسه رشدیة تبریز، از اولین مطالبات فرهنگی آنان به شمار می‌رفت (سلطانی، ۱۳۷۸: ۶۴).

گروه روشن‌فکران محلی جزو پیشگامان و بنیان‌گذاران مدارس نوین در کرمانشاه محسوب می‌شدند؛ برخی از آنان همانند خاندان میرعبدالباقی، از خانواده‌های تاجرپیشه و بازرگان بودند که به خاک عثمانی رفت‌وآمد داشتند. از آن جمله می‌توان از میرزا حسینعلی‌خان مهندس گوران و شیخ محمد سعید عرب نام برد. حسینعلی‌خان از تحصیل‌کردگان مدرسه دارالفنون و محمد سعید عرب از دیپلمه‌های خارج از کشور بود. میرزا حسینعلی‌خان مهندس گوران در سال ۱۲۷۸ قمری مدرسه‌ای در کرمانشاه تأسیس کرد که آن را «محتشمیه» نام نهاد. مورد دیگر، مدرسه «اسلامیه» نام داشت که به کوشش شیخ محمد سعید عرب، یهودی‌نومسلمان که اصل و تبار بومی نداشت، تأسیس شد. وی که از تحصیل‌کردگان مدارس شهر بغداد بود، به زبان فرانسوی تسلط کامل داشت. او گروهی از فرزندان اعیان و بزرگان و اشراف محلی را جمع کرد و با حمایت میرزا اسماعیل‌خان معاضدالملک، فرزند ارشد نصیرالاطباء جدیدالاسلام، مدرسه اسلامیه را تأسیس کرد (همان: ۶). از میان یهودیان کرمانشاه، تعداد کمی از آنان مسلمان شدند. این گروه، مردمانی جهان‌دیده و آشنا به دانش‌های روز بودند که با شاهزادگان و اعیان شهر معاشرت داشتند؛ البته در روند اجرای فعالیت‌های آموزشی و تعلیم و تربیت، با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو شدند؛ ازجمله شک و تردید مردم به مؤسسات جدید فرهنگی بود و به‌خصوص آنکه گروهی از یهودیان تازه‌مسلمان در رأس آن قرار داشتند که بیش از پیش مردم را به این مدارس بدبین می‌ساخت. به منظور رفع این مشکلات، شیخ محمد سعید مجبور شد نام مدرسه خود را اسلامیه بگذارد و سعی داشت یکی از روحانیان خوش‌نام شهر را مشاور و معلم مدرسه بکند. در این مدرسه، علاوه بر فارسی، عربی و شرعیات و زبان فرانسوی و حساب تدریس می‌شد. این‌گونه اقدامات دوراندیشانه وی تا حدودی توانست این مدرسه را از دامنه دشمنی‌های متعصبان مذهبی در امان دارد.

اوژن اوپن که به سال‌های ۱۳۲۳-۱۳۲۴ قمری / ۱۹۰۶-۱۹۰۷ میلادی به کرمانشاه مسافرت کرده، شرحی از آموزش زبان فرانسوی و تأثیراتی را که شیخ محمد سعید، مؤسس مدرسه، در میان اطفال خاندان‌های حکومتی و اعیان شهر داشته، بیان کرده‌است (اوپن، ۱۳۶۲: ۳۶۴). شیخ محمد سعید، محیط فرهنگی شهر کرمانشاه را آماده پذیرش مفاهیم جنبش بیداری در عصر مشروطیت ساخت. دوران فعالیت وی در کرمانشاه بسیار کوتاه، اما پرثمر بود. او توانست نهاد تازه‌شکل‌گرفته مدارس نوین را در این شهر مستحکم سازد و آموزش زبان فرانسوی را رواج دهد. علاوه بر این، مدارس متوسطه و ابتدایی فراوانی در روستاها، به‌خصوص در غرب ایران، به همت معلمانی که مسیون‌های مذهبی آنان را تربیت کرده بودند، کار خود را آغاز کرد (جان ویشارد، ۱۳۶۳: ۲۵۰).

یکی از مواردی که اخبار تغییر و تحولات به‌وجودآمده در عثمانی را به داخل کشور منتقل می‌ساخت،

روزنامه‌ها و نشریاتی بودند که در استانبول چاپ می‌شد. از میان آن نشریات، روزنامه‌ی اختر نقش مهمی در انتقال مفاهیم فرهنگی برای ایرانیان ایفا می‌کرد. ناشران این روزنامه تلاش بسیار می‌کردند که ضمن ترویج اندیشه‌های مردم‌سالارانه و قانون‌خواهی، زمینه‌های آگاهی افکار عمومی را در ایران فراهم سازند. با توجه به اینکه روزنامه‌ی اختر در عتبات عالیات نمایندگی داشت و یکی از شاهراه‌های ارتباطی میان ایران و خارج نیز راهی بود که از ایالت کرمانشاهان به عتبات عالیات می‌گذشت، روزنامه‌ی اختر از همین راه به داخل کشور منتقل می‌شد و مردم از تحولات کشورهای اروپایی و عثمانی آگاه می‌شدند. روزنامه‌ی اختر واقعیاتی از سیاست‌های روابط خارجی میان ایران و عثمانی را بیان می‌کرد که زمینه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی میان دو کشور را آشکار و روشن می‌ساخت (جلیلیان و مرادی، ۱۳۹۵: ۳۱).

از دیگر نشریات مهم، روزنامه‌ی قانون بود. این روزنامه نیز مانند روزنامه‌ی اختر در استانبول چاپ می‌شد و به رشد آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی محافل روشن‌فکری در ایران و نشر اندیشه‌های تجددخواهی کمک شایان توجهی کرد (رئیس‌نیا، ۱۳۷: ۷۶). امپراتوری عثمانی مانند یک پایگاه برای انتقال مظاهر فرهنگی و تمدنی غرب به داخل ایران عمل می‌کرد و به یکی از انتقال‌دهندگان اصلی تولیدات و فرآورده‌های مصرفی مادی و معنوی غرب به ایران تبدیل شد.

طرفداران و پشتیبانان و حامیان آزادی‌خواهی در ایران، در همان ابتدای نهضت مشروطیت، عده‌ی نیروی کافی نداشتند؛ زیرا معمولاً بیشتر روستاییان، یعنی بیشتر مردم ایران، از اندیشه‌های نو و تجددخواهی‌گریزان بودند و به راحتی حاضر به پذیرش تغییر و اصلاح نبودند. به این دلیل تمایلات اصلاح‌طلبی و تجددخواهی در شهرهای بزرگی چون تهران، تبریز، رشت، شیراز تا حدودی در اصفهان، همدان، کرمانشاه آشکار شد. تبریز همانند مغز متفکر نهضت مشروطیت و تهران مانند بازوی متحرک، دست به کار شدند؛ کرمانشاه نیز به یکی از محل‌های انتقال روزنامه و کتاب به درون ایران تبدیل شد.

### نتیجه

در ابتدای به قدرت رسیدن سلسله‌ی قاجار، به علت تحولات بین‌المللی، روابط ایران با سایر کشورها گسترش یافت و دروازه‌های مرزی به روی سایر ممالک گشوده شد. این ارتباطات، علاوه بر رونق اقتصادی، موجبات نقل و انتقال آداب و رسوم و مظاهر فرهنگی سایر ملت‌ها به ایران را فراهم آورد. ایالت کرمانشاهان با توجه به موقعیت راهبردی و جغرافیایی که داشت، یکی از مهم‌ترین راه‌های خشکی ارتباطی با دولت عثمانی محسوب می‌شد. به همین دلیل محل توجه کشورهای اروپایی قرار گرفت. عوامل متعددی مانند حضور نمایندگان سیاسی و تجاری و سیاحان و همچنین روابط سیاسی و اداری و اقتصادی سبب شد تا مظاهر فرهنگ غربی در این ایالت رواج یابد. تغییر ساختار جدید شهری و معماری



اخذ شده از فرهنگ غربی، معرفی آثار باستانی در سطح جهانی، تأسیس مدارس با محتوای آموزشی جدید، گسترش زمینه‌های رواج تشیع، ارتقای سطح بهداشت، شکل‌گیری گویش کرمانشاهی و... از دیگر نتایج فرهنگی گسترش روابط خارجی در این ایالت بود. در حقیقت می‌توان گفت منشأ تحولات عمده فرهنگی آتی این منطقه، در همین دوران شکل گرفت.

## منابع

- ادیب‌الممالک (۱۳۶۴)، *سفرنامه ادیب‌الممالک*، به تصحیح مسعود گلزاری، بی‌جا، دادجو.
- اعتصام‌الملک (بی‌تا)، *سفرنامه اعتصام‌الملک*، به تصحیح منوچهر محمودی، تهران، مصحح.
- اوین، اوژن (۱۳۶۲)، *ایران امروز*، علی‌اصغر سعیدی، بی‌جا: نقش جهان.
- ایراندوست، کیومرث؛ بهمنی اورامانی، آرمان (۱۳۹۰)، «تحولات کالبدی بازار سنتی در شهرهای ایران (مطالعه موردی: بازار کرمانشاه)، *مطالعات شهر ایران اسلامی*، دوره ۲، شماره ۵، صفحات ۵-۱۵.
- انصاری، حمید رضا، حیدری عرفان، «*تاملی بر تأثیرات تطور فرهنگ و جامعه ایران در میانه عصر قاجار بر دیوارنگاری (به گواه دیوار نگاره‌های عمارت صارم الدوله کرمانشاه)*» نشریه هنرهای زیبا - هنرهای تجسمی، دوره ۲۳، شماره یک، بهار ۱۳۹۷
- بایندر، هنری (۱۳۷۰)، *سفرنامه هنری بایندر*، ترجمه کرامت‌الله افسر، تهران، پدیده.
- بنی‌اقبال، ناهید؛ حیدری، آزاده (۱۳۸۸)، «*تحلیل محتوای سفرنامه‌های ترجمه‌شده سیاحان انگلیسی درباره ایران*»، *دانش‌شناسی (علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی و فناوری اطلاعات)*، سال ۲، شماره ۶، صفحات ۱۲-۲۴.
- بیگی، حسن (۱۳۸۹)، *تهران قدیم*، تهران، ققنوس.
- پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۸)، *سفرنامه پولاک (ایران و ایران‌نیان)*، ترجمه کیکاووس جهانگیری، تهران، خوارزمی.
- پیرزاده نائینی، محمدعلی (۱۳۴۳)، *سفرنامه حاجی پیرزاده*، به کوشش حافظ فرمانفرمائیان، جلد ۱، تهران، دانشگاه تهران.
- جان ویشارد (۱۳۶۳)، *بیست سال در ایران*، ترجمه علی پیرنیا، بی‌جا، فرهنگ نوین.
- جلیلیان، آذر؛ مرادی، مسعود (۱۳۹۵)، «*انعکاس مناسبات فرهنگی و اقتصادی ایران و عثمانی در روزنامه اختر* (۱۲۹۲-۱۳۱۳ قمری)»، *تاریخ پژوهی*، شماره ۶۷، صفحات ۲۹-۵۴.
- جلیلی، محمدحسین و دیگران (۱۳۷۴)، *کرمانشاهان باستان (از آغاز تا آخر سده نوزدهم هجری قمری)*، تهران، وزارت فرهنگ و هنر.
- جیمز، موریس (۱۳۶۸)، *تاریخ شکل شهر تا انقلاب صنعتی*، ترجمه راضیه رضازاده، تهران، دانشگاه علم و صنعت ایران.
- حسینی، سیدهاشم؛ احمدزاده (۱۳۹۶)، «*مطالعه و شناخت آرایه‌های معماری دو مسجد قاجاری حاج شهبازخان دولت‌شاه در کرمانشاه در قیاس با مسجد سپهسالار در تهران*»، *پژوهش هنر*، شماره ۱۴، صفحات ۶۳-۷۷.
- خاتون‌آبادی، افسانه (۱۳۹۰)، «*شعر و نقاشی در دوران قاجار: چالش سنت و مدرنیته*»، *ادبیات پارسی معاصر*، شماره ۲، صفحات ۳۹-۵۵

- دوسرسی، کنت (۱۳۹۰)، *ایران در ۱۸۴۰-۱۸۳۹ میلادی*، ترجمه احسان اشراقی، تهران، سخن.
- دومرگان، ژاک (۱۳۳۹)، *هیئت علمی فرانسه در ایران*، ترجمه دکتر کاظم ودیعی، جلد ۲، تبریز: چهر.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۲)، *لغت نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران*.
- رینگر، ام، مونیکا (۱۳۸۱)، *آموزش دین و گفتمان اصلاح فرهنگی در دوران قاجار*، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، تهران، ققنوس.
- رئیس‌نیا، رحیم (۱۳۷۴)، *ایران و عثمانی در آستانه قرن بیستم*، جلد ۱، تبریز، ستوده.
- زارعی، محمدابراهیم؛ حیدری باباکمال، یدالله (۱۳۹۶)، «ارزیابی عوامل اقتصادی، سیاسی و مذهبی در توسعه ساختار شهر کرمانشاه در دوره قاجار با تکیه بر شواهد تاریخی و باستان‌شناسی موجود»، *مطالعات تاریخ اسلام*، شماره ۳۲، صفحات ۱۰۴-۱۳۴.
- زرگری‌نژاد، غلامحسین (۱۳۸۵)، *خلاصه روزشمار قاجاریه؛ از ابتدا تا اواسط دوره فتحعلیشاه*، جلد ۱، تهران، دانشگاه تهران.
- ژوانس، فووریه (۱۳۸۸)، *سه سال در دربار ایران*، ترجمه عباس اقبال آشتیانی، تهران، نوین.
- س - ج - و بنجامین (۱۳۶۳)، *ایران و ایرانیان*، ترجمه مهندس محمدحسین کردبچه، تهران، جاویدان.
- سدیدالسلطنه، محمدعلیخان (۱۳۶۲)، *سفرنامه سدیدالسلطنه (التدیق فی سیر الطریق)*، به تصحیح و تحشیه احمد اقتداری، تهران، به‌نشر.
- سرنا، کارلا (۱۳۶۳)، *مردم و دیدنی‌های ایران؛ سفرنامه کارلا سرنا*، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران، نشر نو.
- سلطانی، محمدعلی (۱۳۷۰)، *جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل کرمانشاهان*، جلد ۱، تهران، شقایق.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۸)، *احزاب سیاسی و انجمن‌های سری در کرمانشاه*، تهران، سپها.
- شیل، لیدی (۱۳۶۸)، *خاطرات لیدی شل (همسر وزیر مختار انگلیس در اوایل سلطنت ناصرالدین‌شاه)*، ترجمه حسن ترابیان، تهران، نشر نو.
- عباسی، محمدرضا؛ بدیعی، پرویز (۱۳۷۲)، *گزارشات اوضاع سیاسی - اجتماعی ولایات عصر ناصری*، تهران، سازمان اسناد ملی ایران.
- عضدالملک، علیرضا (۱۳۷۰)، *سفرنامه عضدالملک*، به کوشش حسن مرسلوند، تهران، مؤسسه پژوهی و مطالعات فرهنگی.
- علوی کیا، محمدعلی (۱۳۹۶)، «تاریخچه نخستین مدارس نوین در کرمانشاه (۱۲۷۸-۱۲۸۵ شمسی)»، *پژوهشنامه تاریخ‌های محلی ایران*، شماره ۱۱، صفحات ۲۳-۳۴.
- غیرت کرمانشاهی، عبدالکریم (۱۳۳۸)، *کلیات آثار سید عبدالکریم غیرت*، به کوشش محمدسعید غیرت، تهران، چاپخانه فردوسی.
- فلاندن، اوژون (۱۳۵۶)، *سفرنامه اوژون فلاندن به ایران*، ترجمه حسین نورصادقی، تهران، اشراقی.
- فلور، ویلم ام (۱۳۸۷)، *سلامت مردم ایران قاجار*، ترجمه ایرج نبی‌پور، بوشهر، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی - درمانی بوشهر.
- قراگزلو، فرید (۱۳۵۴)، *خاطرات فرید*، تهران، زوار.

کرزن، جرج، ن، (۱۳۶۹)، «ایران و قضیه‌ی ایران»، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، جلد ۲، بی جا: علمی فرهنگی. کریمیان، حسن؛ قبادی‌زاده، حمزه (۱۳۹۶)، بافت تاریخی شهر کرمانشاه: سازمان فضایی و عناصر شاخص معماری، بی جا، سمیرا.

کشاورز، اردشیر (۱۳۸۲)، کرمانشاه ما به دورنمای قدیم، کرمانشاه، تاق‌بستان.

گروته، هوگو (۱۳۶۹)، سفرنامه گروته، ترجمه مجید جلیوند، تهران، سعدی.

لعل نهر، جواهر (۱۳۸۷)، نگاهی به تاریخ جهان، محمود تفضلی، جلد ۱، تهران، امیرکبیر.

لوشای، هایز (۱۳۸۱)، «عمارت قاجاری تاق‌بستان»، ترجمه سیامک خدیوی، هنر و معماری، شماره ۳۳ و ۳۴ صفحات ۶۸-۸۸.

محبوبی اردکانی، حسین (۱۳۷۴)، چهل سال تاریخ ایران، جلد ۱، تهران، اساطیر.

محدثی، جواد (۱۳۷۴)، فرهنگ عاشورا، قم، معروف.

مسیو چریکف (۱۳۵۸)، سیاحتنامه مسیو چریکف، ترجمه آبکار مسیحی، تهران، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.

مستوفی، عبدالله (۱۳۷۷)، تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجار یا شرح زندگانی من، تهران، زوار.

معمدی، فرج‌الله؛ ساری اصلان، امان‌الله (۱۳۸۵)، نهضت مشروطیت در کرمانشاه و کنگاور، به کوشش محمدعلی سلطانی، تهران، سه‌ها.

میر لیتواک (۱۳۸۴)، «بررسی جمعیت‌شناختی علمای نجف و کربلا در خلال سال‌های ۱۲۰۵-۱۳۲۲ قمری»، شصت‌ششمین شماره، سال ۳، شماره ۱۰ صفحات ۱۳۷-۱۸۶.

ناصرالدین‌شاه قاجار (۱۳۸۹)، سفرنامه ناصرالدین‌شاه به کربلا و نجف، تهران، خانه تاریخ و تصویر ابریشمی.

ناطق، هما (۱۳۸۱)، کارنامه فرهنگی فرنگ، تهران، البرز.

والی‌زاده معجری، محمدرضا (۱۳۸۰)، تاریخ لرستان روزگار قاجار، تهران، حروفیه.

ویلز (۱۳۶۸)، سفرنامه دکتر ویلز؛ ایران در یک قرن پیش، ترجمه غلامحسین قراگوزلو، بی جا، اقبال.

نواب تهرانی، میرزاهمدی (۱۳۷۶)، دستورالاعقاب، تهران، تاریخ ایران.

هامبلی، گاوین، اوری، پیتر، ملویل، چارلز (۱۳۸۹)، تاریخ ایران کمبریج، تیمور قادری، تهران، مهتاب.

j, ferrir, Caravan Journeys and Wanderings in Persia, Afghanistan, Turkistan, and Beloochistan: With Historical Notices of the Countries Lying Between Russia and India , p240 (1976).

Benn, An Overland Trek From India, by Side-Saddle, Camel, and Rail: The Record of a Journey from Baluchistan to Europe, 1909, co & Longmans: London ,p: 218.

Diba, Layla (2001), Invested with Life: Wall Painting and Imagery before the Qajars, Iranian Studies, Vol. 34, No. 1/4, Qajar Art and Society (2001), pp. 5-16

Najmabadi A (2001) Gendered Trans formations: beauty Love and sexuality in QaJar Iran, Iranian Studies 34 (1-4) PP, 89-102.